

مطالعات علوم اسلامی انسانی

مقاله پژوهشی، سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان ۱۴۰۴ (ص ۲۷ - ۳۸)
دریافت: تیر ماه ۱۴۰۴ پذیرش: مرداد ماه ۱۴۰۴

تحلیل تفسیری تقسیم انسان‌ها در قیامت و پیامدهای اعمال در پرتو آیات قرآن

Exegetical Analysis of Human Categorization on the Day of Resurrection and the Consequences of Deeds in Light of Qur'anic Verses

رضا مهرآبادی^۱ / دکترای تفسیر تطبیقی و همکار علمی دانشکده علوم قرآنی سبزوار، ایران.

Reza Mehrabadi / PhD in Comparative Qur'anic Exegesis; Academic Collaborator, Faculty of Qur'anic Sciences, Sabzevar, Iran.

mehrabadi.reza@yahoo.com

محمد رضا برکات / عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.

Mohammadreza Barakat / Assistant Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, University of Qur'anic Sciences and Teachings, Qom, Iran.

barakaat@quran.ac.ir

علی عربی آیسک / استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.

Ali Arabi Ayask / Assistant Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, University of Qur'anic Sciences and Teachings, Qom, Iran.

arabi@quran.ac.ir

Abstract

Death marks a pivotal and transformative stage in the human journey, signifying the transition from the material world to the realm of the Hereafter. According to Islamic teachings, the nature of one's death is intrinsically linked to the quality of life and deeds performed, with individual experiences of death varying based on personal conduct. In Islamic belief, death is not an end but a gateway to the Day of Resurrection and divine judgment. This study aims to examine the categorization of human beings on the Day of Judgment and to elucidate the characteristics of each group. Employing a descriptive-analytical method grounded in library-based sources, the research analyzes relevant Qur'anic verses and authentic narrations. Findings reveal that humanity is divided into three primary groups on the Day of Resurrection: (1) the

چکیده

مرگ یکی از مراحل مهم و سرنوشت‌ساز در مسیر زندگی انسان است که به عنوان نقطه‌ای انتقال از جهان مادی به عالم آخرت شناخته می‌شود. بر اساس آموزه‌های اسلامی، کیفیت مرگ انسان با نوع زندگی و اعمال او ارتباط مستقیم دارد و تجربه‌ی آن بسته به رفتارهای فردی، متفاوت خواهد بود. در باور اسلامی، مرگ پایان نیست، بلکه آغازی برای ورود به عرصه‌ی قیامت و داوری الهی است. این پژوهش با هدف بررسی گروه‌بندی انسان‌ها در روز قیامت و تبیین ویژگی‌های هر گروه، به دنبال پاسخ به این پرسش است که انسان‌ها در قیامت به چه دسته‌هایی تقسیم می‌شوند و اوصاف هر دسته چیست. روش تحقیق در این مطالعه، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است. در این راستا، آیات قرآن کریم و روایات معتبر مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که انسان‌ها در روز قیامت به سه گروه اصلی تقسیم می‌شوند: (۱) اصحاب

^۱ نویسنده مسئول: Email: mehrabadi.reza@yahoo.com

Companions of the Left, (2) the Companions of the Right, and (3) the Mukhlaseen (the purified ones). Each group possesses distinct attributes that determine their standing in the Hereafter. This classification offers a clear and precise portrayal of human destiny in the afterlife and underscores the decisive role of worldly actions in shaping one's eternal fate.

Keyword: Resurrection; Death; Human Deeds; Human Categorization; Qur'anic Exegesis.

ویژگی‌های خاصی هستند که جایگاه آنان را در عرصه‌ی محشر تعیین می‌کند. این تقسیم‌بندی، تصویری روشن و دقیق از سرنوشت انسان‌ها در آخرت ارائه می‌دهد و بر نقش تعیین‌کننده‌ی اعمال دنیوی در سرنوشت اخروی تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: قیامت، مرگ، اعمال انسان، تقسیم بندی انسان‌ها، تفسیر قرآن.

بیان مسئله

اعتقاد به قیامت و معاد از ارکان اساسی دین اسلام و سایر ادیان توحیدی به‌شمار می‌رود. بر اساس این اصل بنیادین، انسان پس از مرگ دوباره زنده می‌شود و در برابر اعمال خود در دنیا، مورد داوری الهی قرار می‌گیرد. گرچه اصل معاد با دلایل عقلی و نقلی قابل اثبات است، اما به‌سبب عدم امکان تجربه‌پذیری حسی، شناخت دقیق و جزئی از آن تنها از طریق وحی و منابع معتبر دینی امکان‌پذیر است. قرآن کریم و روایات اسلامی، تصویری روشن، منسجم و هدفمند از وقایع روز قیامت، نحوه داوری انسان‌ها و سرنوشت نهایی آنان ارائه می‌دهند. در این تصویر، انسان‌ها بر اساس عملکرد دنیوی خود به گروه‌هایی متمایز تقسیم می‌شوند که هر یک دارای ویژگی‌ها، جایگاه معنوی و سرنوشت خاصی در عرصه‌ی محشر هستند.

از جمله این گروه‌ها می‌توان به «اصحاب یمین»، «اصحاب شمال» و «مخلصین» اشاره کرد. این طبقه‌بندی نه تنها بیانگر عدالت الهی در داوری نهایی است، بلکه نشان‌دهنده‌ی پیوند مستقیم میان سبک زندگی، نیت و اعمال فردی انسان با سرنوشت اخروی اوست. با وجود تأکید فراوان متون دینی بر وقوع قیامت و تقسیم انسان‌ها در آن روز، پرسش اصلی این پژوهش آن است که: تقسیم انسان‌ها در روز قیامت بر چه مبنایی صورت می‌گیرد؟ ویژگی‌های هر گروه چیست؟ و این تقسیم‌بندی چه ارتباطی با سبک زندگی و اعمال فرد در دنیا دارد؟

ضرورت پرداختن به این مسئله از آن‌جا ناشی می‌شود که فهم دقیق و تفسیری این طبقه‌بندی، می‌تواند در ارتقاء معرفت دینی، اصلاح رفتار فردی و اجتماعی، و تقویت انگیزه‌های اخلاقی و معنوی نقش مؤثری ایفا کند. همچنین، تحلیل این گروه‌بندی از منظر قرآنی و روایی، امکان فهم عمیق‌تری از عدالت الهی، نظام پاداش و کیفر، و جایگاه انسان در نظام هستی را فراهم می‌سازد.

پژوهش حاضر با روش تحلیلی - توصیفی و با تکیه بر منابع اصلی اسلامی، به‌ویژه آیات قرآن کریم و روایات معتبر، سامان یافته است. در این مسیر، تلاش شده است تا با بهره‌گیری از تفاسیر معتبر شیعه و اهل سنت، و نیز با استناد به دیدگاه‌های کلامی و عرفانی، تصویری جامع و مستند از نحوه تقسیم انسان‌ها در قیامت و پیامدهای اعمال دنیوی آنان ارائه گردد.

ساختار تحقیق به‌گونه‌ای تنظیم شده است که ابتدا به مفهوم‌شناسی معاد پرداخته می‌شود. سپس به تحلیل قرآنی گروه‌های سه‌گانه در قیامت شامل بررسی آیات مربوط به «اصحاب یمین»، «اصحاب شمال» و «مخلصین» صورت می‌گیرد و همچنین به تبیین تفسیری و روایی ویژگی‌های هر گروه اختصاص دارد که در آن، سرنوشت، نعمت‌ها یا عذاب‌های هر گروه بر اساس منابع تفسیری و حدیثی بررسی می‌شود. در نهایت ارتباط سبک زندگی دنیوی با سرنوشت اخروی مورد تحلیل قرار می‌گیرد و تأثیر اعمال، نیت و تربیت دینی بر جایگاه انسان در قیامت تبیین می‌شود.

منطق حاکم بر فصول تحقیق، مبتنی بر پیوستگی هستی‌شناختی میان دنیا و آخرت، و تأکید بر عدالت و رحمت الهی در داوری نهایی است. این پژوهش در پی آن است که نشان دهد چگونه انتخاب‌های دنیوی انسان، مسیر او را در قیامت رقم می‌زنند و چگونه آموزه‌های قرآنی می‌توانند راهنمایی برای زیست مؤمنانه، آگاهانه و هدفمند باشند.

۱. پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی در زمینه‌ی مرگ، برزخ، عذاب قبر و سلامت روان از منظر آموزه‌های اسلامی انجام شده‌اند. در این بخش، به برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های پیشین اشاره می‌شود و جایگاه مقاله حاضر در میان آن‌ها تبیین خواهد شد.

مطهری، مرتضی در کتاب «انسان و سرنوشت»، با رویکرد فلسفی و کلامی، مرگ را آغاز مرحله‌ای جدید از حیات معرفی کرده و بر تأثیر اعمال دنیوی بر سرنوشت اخروی انسان تأکید کرده است.

جواد آملی، عبدالله در مجموعه آثار تفسیری خود، به‌ویژه در «تفسیر موضوعی قرآن کریم»، به تبیین عذاب قبر و برزخ پرداخته و آن را مرحله‌ای برای پالایش روح انسان پیش از ورود به قیامت دانسته است.

نادری عقیف، احمد (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر اصلاح نگرش نسبت به مرگ در سلامت روانی از دیدگاه اسلام» با روش توصیفی-تحلیلی، نشان داده است که شناخت صحیح ماهیت مرگ و اصلاح نگرش نسبت به آن، موجب کاهش اضطراب و افزایش سلامت روانی انسان می‌شود.

محسن زندی سید محمود موسوی در مقاله‌ای با عنوان «رویکرد وجودی نگر آیات و روایات در رابطه مرگ‌اندیشی و سلامت روان». فصلنامه علوم حدیث (۱۳۹۶) با بهره‌گیری از رویکرد وجودی، مرگ‌اندیشی را نه تنها نشانه‌ی اختلال روانی نمی‌داند، بلکه آن را عامل معنابخشی به زندگی و ارتقاء سلامت روان معرفی می‌کند.

با وجود غنای مطالعات پیشین، بیشتر آن‌ها یا به‌صورت کلی به مرگ و قیامت پرداخته‌اند یا صرفاً از منظر روان‌شناسی یا فلسفه وجودی موضوع را بررسی کرده‌اند. مقاله حاضر با تمرکز بر رابطه‌ی سبک زندگی انسان با کیفیت مواجهه با مرگ و عذاب قبر، تلاش دارد تا با رویکردی تلفیقی از منابع قرآنی، روایی و تربیتی، نشان دهد که چگونه اعمال فردی در دنیا، نه تنها بر سرنوشت اخروی بلکه بر نحوه‌ی مواجهه با مرگ و برزخ نیز تأثیر مستقیم دارد.

نوآوری مقاله حاضر در این است که با برجسته‌سازی نقش تربیت دینی و سبک زندگی معنوی، به تبیین پیوستگی میان حیات دنیوی و اخروی پرداخته و نشان می‌دهد که آمادگی برای مرگ، نه تنها یک ضرورت اعتقادی بلکه یک عامل مؤثر در سلامت روان و آرامش وجودی انسان است.

مطالعه‌ی مرگ، برزخ، عذاب قبر و تأثیر آن‌ها بر سلامت روان از منظر آموزه‌های اسلامی، همواره یکی از محورهای مهم در پژوهش‌های دینی، فلسفی و روان‌شناختی بوده است. در این بخش، به برخی از مهم‌ترین تحقیقات پیشین اشاره می‌شود و جایگاه مقاله حاضر در میان آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- مرتضی مطهری در کتاب *انسان و سرنوشت*، با رویکردی فلسفی و کلامی، مرگ را آغاز مرحله‌ای نوین از حیات انسان معرفی کرده و بر تأثیر اعمال دنیوی بر سرنوشت اخروی تأکید نموده است. وی با تحلیل رابطه‌ی میان دنیا و آخرت، به تبیین پیوستگی هستی‌شناختی این دو ساحت پرداخته است.
- عبدالله جواد آملی در مجموعه آثار تفسیری خود، به‌ویژه در تفسیر موضوعی *قرآن کریم*، به بررسی مفهوم عذاب قبر و برزخ پرداخته و آن را مرحله‌ای برای پالایش روح انسان پیش از ورود به قیامت دانسته است. تحلیل ایشان مبتنی بر مبانی عرفانی و تفسیری، نقش تربیت روحی را در آمادگی برای قیامت برجسته می‌سازد.
- احمد نادری عقیف (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان *تأثیر اصلاح نگرش نسبت به مرگ در سلامت روانی از دیدگاه اسلام*، با روش توصیفی-تحلیلی نشان داده است که شناخت صحیح ماهیت مرگ و اصلاح نگرش نسبت به آن، موجب کاهش اضطراب و افزایش سلامت روانی انسان می‌شود. این پژوهش بر نقش معرفت دینی در بهبود کیفیت روانی زندگی تأکید دارد.

- محسن زندی و سید محمود موسوی در مقاله‌ای با عنوان *رویکرد وجودی نگر آیات و روایات در رابطه مرگ‌اندیشی و سلامت روان*، منتشرشده در فصلنامه علوم حدیث (۱۳۹۶)، با بهره‌گیری از رویکرد وجودی، مرگ‌اندیشی را نه تنها نشانه‌ی اختلال روانی نمی‌دانند، بلکه آن را عامل معنابخشی به زندگی و ارتقاء سلامت روان معرفی کرده‌اند. این مقاله بر پیوند میان معنویت و روان‌شناسی تأکید دارد.

با وجود غنای مطالعات پیشین، اغلب آن‌ها یا به‌صورت کلی به موضوع مرگ و قیامت پرداخته‌اند یا از منظر روان‌شناسی، فلسفه وجودی یا عرفان، به تحلیل آن پرداخته‌اند. مقاله حاضر با تمرکز بر رابطه‌ی سبک زندگی انسان با کیفیت مواجهه با مرگ، برزخ و عذاب قبر، تلاش دارد تا با رویکردی تلفیقی از منابع قرآنی، روایی و تربیتی، نشان دهد که چگونه اعمال فردی در دنیا، نه تنها بر سرنوشت اخروی بلکه بر نحوه‌ی مواجهه با مرگ و مراحل پس از آن نیز تأثیر مستقیم دارد.

نوآوری این پژوهش در آن است که با برجسته‌سازی نقش تربیت دینی و سبک زندگی معنوی، به تبیین پیوستگی میان حیات دنیوی و اخروی می‌پردازد و نشان می‌دهد که آمادگی برای مرگ، نه تنها یک ضرورت اعتقادی، بلکه عاملی مؤثر در سلامت روان و آرامش وجودی انسان است. این مقاله با ارائه‌ی تحلیلی جامع از آموزه‌های اسلامی، تلاش دارد تا زمینه‌ای برای بازاندیشی در شیوه‌ی زیست مؤمنانه و آمادگی معنوی برای مرگ فراهم آورد.

۲. مفهوم‌شناسی معاد

واژه‌ی «معاد» از ریشه‌ی ثلاثی مجرد «عاد، یعود، عوداً» مشتق شده و در لغت به معنای بازگشت به چیزی است که پیش‌تر از آن فاصله گرفته شده باشد. این معنا در آیات قرآن نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ چنان‌که خداوند در بیان حال کفار و گناه‌کاران می‌فرماید: «اگر کفار و گناه‌کاران را چنان‌که طلب می‌کنند به دنیا برگردانیم، باز برای آن‌ها فایده‌ای ندارد؛ زیرا به دنیا که برگشتند، تمام سوانح عالم برزخ و قیامت از یاد ایشان می‌رود و همان اعمال زشتی را که سابقاً داشتند، باز از سر می‌گیرند و در اظهارشان دروغ می‌گویند» (مضمون آیه ۱۲ سوره سجده).

واژه‌ی «اعاده» نیز از همین خانواده‌ی لغوی بوده و به معنای بازگرداندن است. در سوره‌ی بروج، آیه‌ی ۱۳، خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّهُ هُوَ يُدْئِي وَيُعِيدُ؛ اوست که مخلوقات را می‌آفریند و پس از مرگ باز می‌گرداند».

بر اساس این آیه، هستی، زندگی و بهره‌وری هر موجود تا زمانی معین از ناحیه‌ی خداوند است و با پایان یافتن آن، موجود از بین نمی‌رود؛ بلکه رحمت الهی که موجب وجود و بقا بوده، باطل نمی‌شود. منظور از پایان یافتن یک موجود، جذب رحمت گسترده‌ی الهی به سوی خود اوست. آنچه خداوند افاضه کرده، وجه اوست و «وجه‌الله» از بین رفتنی نیست. از این‌رو، پایان عمر موجودات به معنای فنا و بطلان آن‌ها نیست، بلکه «رجوع الی‌الله» است. در نتیجه، آنچه در نظام هستی رخ می‌دهد، چیزی جز «بسط» و «قبض» نیست. خداوند با بسط رحمت خود آغاز به خلقت می‌کند و با قبض رحمت، موجودات را به سوی خود باز می‌گرداند. این قبض و بازگشت به سوی حق تعالی، همان «معاد» است که در آموزه‌های دینی وعده داده شده است. بنابراین، معاد به معنای بازگشت به جهان دیگر به کار رفته است (شعرانی، ۱۳۹۴: ۱۹۷).

در تأیید این معنا، در منابع لغوی نیز آمده است که خداوند «المیدئ المعید» است؛ یعنی آفریننده‌ی نخستین و بازگرداننده‌ی پس از مرگ. به تعبیر ابوالحسن الأزهري، خداوند ابتدا خلق را زنده می‌گرداند، سپس می‌میراند و بار دیگر آنان را زنده می‌سازد؛ چنان‌که در آیه‌ی «وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ» (روم: ۲۷) نیز آمده است. بنابراین، خداوند متعال همان کسی است که خلق را پس از زندگی به مرگ و پس از مرگ به زندگی باز می‌گرداند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج: ۳؛ ۳۱۶: طریحی، ۱۳۷۵ش، ج: ۳؛ ۱۱۰).

علی‌اکبر قرشی در تعریف واژه‌ی «معاد» می‌نویسد: «معاد مصدر میمی و اسم زمان و مکان است و از عود به معنی رجوع و برگشتن گرفته شده است». وی همچنین به نقل از طبرسی می‌افزاید: «عود به معنی رجوع است و عیادت مریض، برگشتن به سوی او برای استفسار حال اوست. ترکیه‌های سبز را نیز عود گویند؛ زیرا پس از بریدن دوباره می‌رویند» (قرشی، ۱۳۷۶: ۶۶/۱).

راغب اصفهانی نیز در کتاب «مفردات الفاظ قرآن» می‌نویسد: «گفته می‌شود برای بازگشتن و برای زمان و موعدی که در آن زمان باز می‌گردد، و به ندرت برای مکانی که به سوی آن مکان بر می‌گردد» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۱: ۵۹۴).

در منابع تفسیری نیز، واژه‌ی «عود» در آیات متعددی به معنای بازگشت به حالت نخستین یا رجوع به اصل به کار رفته است. از جمله در آیه‌ی «وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ» (انعام: ۲۸) که دلالت بر بازگشت به رفتارهای پیشین دارد. همچنین در آیه‌ی «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيْهِ مَعَادٍ» (قصص: ۸۵)، «معاد» به معنای بازگشت به وطن، یا بازگشت به اصل خلقت و یا به معنای بعث و قیامت تفسیر شده است (مجمع البحرین، ج: ۳؛ ۱۱۰-۱۱۱).

در کاربرد اصطلاحی، واژه‌ی «معاد» معمولاً به معنای بازگشت به زندگانی پس از مرگ به کار می‌رود. آشتیانی در این‌باره می‌نویسد: «مرگ نقطه‌ی پایانی زندگانی انسان نیست، بلکه روزگاری انسان باید در محکمه‌ی عدل الهی حاضر شود و به پاسخ‌گویی بپردازد. بنابراین، در اصطلاح، معاد به معنای بازگشت به عالم آخرت و زندگانی پس از مرگ است» (آشتیانی، ۱۳۷۹: ۵۲۸).

۳. تقسیم‌بندی انسان‌ها در روز قیامت بر اساس آموزه‌های قرآنی

بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، انسان‌ها در روز قیامت از حیث نحوه‌ی دریافت پاداش و کیفر، به سه گروه اصلی تقسیم می‌شوند: **اصحاب یمین، اصحاب شمال، و سابقون مقرب**. این تقسیم‌بندی، نه تنها بیانگر تفاوت در سرنوشت اخروی افراد، بلکه نشان‌دهنده‌ی مراتب ایمان، عمل صالح و قرب الهی است. هر یک از این گروه‌ها، جایگاه خاصی در نظام جزا و پاداش الهی دارند و ویژگی‌های آنان در آیات متعدد قرآن و تفاسیر اسلامی به تفصیل بیان شده است.

۱- تحلیل جایگاه و ویژگی‌های اصحاب یمین در قرآن و تفاسیر اسلامی

اصحاب یمین، گروهی از مؤمنان هستند که نامه‌ی اعمالشان در روز قیامت به دست راستشان داده می‌شود. درباره‌ی وجه تسمیه‌ی این گروه، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. برخی معتقدند «اصحاب یمین» به معنای یاران دست راست است؛ یعنی کسانی که نامه‌ی اعمالشان به دست راستشان داده می‌شود. برخی دیگر آن‌ها را کسانی می‌دانند که از سمت راست به بهشت وارد می‌شوند (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۳۶/۲۴؛ طبری، ۱۴۱۲ هـ.ق: ۹۸/۲۷؛ شیخ طوسی، بی تا: ۴۹۵/۹).

قرآن کریم در سوره‌ی واقعه، جایگاه این گروه را چنین توصیف می‌کند: «فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ * وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ * وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ * وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ * وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ * لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ * وَفَرْشٍ مَّرْفُوعَةٍ * إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً * فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا * * عُرُبًا أَتْرَابًا» (واقعه: ۳۷-۲۷).

در تفسیر نورالثقلین، علی بن ابراهیم قمی اصحاب یمین را اصحاب حضرت علی (ع) معرفی می‌کند (حویزی، ۱۴۱۵ هـ.ق: ۵۸۴/۵). در آیه‌ی دیگر، حال کسانی که نامه‌ی اعمالشان به دست راستشان داده می‌شود، چنین توصیف شده است: «فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ» (حاقه: ۱۹).

علامه طباطبایی معتقد است که خطاب در آیه‌ی «هَآؤُمُ اقْرَؤُوا كِتَابِيَهٗ» به فرشتگان است؛ یعنی فرد مؤمن با افتخار نامه‌ی اعمال خود را به فرشتگان نشان می‌دهد و می‌گوید: «بخوانید که چگونه به سعادت من حکم شده است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۶۷/۱۹). سپس قرآن کریم ادامه می‌دهد: «فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ * فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ * قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ * كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ» (حاقه: ۲۱-۲۴).

در سوره‌ی مدثر نیز آمده است: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ * إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِيْنِ» (مدثر: ۳۸-۳۹) زمخشری در تفسیر کشف، واژه‌ی «رهینه» را به معنای رهن و گروگان دانسته و تأکید می‌کند که همه‌ی نفوس در گرو اعمال خود هستند، مگر اصحاب یمین که از این گرو آزاد شده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷ هـ.ق: ۶۵۴/۴؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵۲/۲۰).

این استثنا از نوع استثنای متصل است و نشان می‌دهد که انسان‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: گروهی که مرهون اعمال خویش‌اند (گنه‌کاران) و گروهی که آزاد شده‌اند (اصحاب یمین). اما گروه سوم، یعنی سابقون مقرب، از این تقسیم خارج‌اند؛ زیرا آنان در عبودیت چنان استقرار یافته‌اند که نفس و عمل را از خود نمی‌دانند، بلکه همه را ملک خدا می‌دانند. اینان در محضر الهی برای حساب حاضر نمی‌شوند: «فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ * إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ» (صافات: ۱۲۷-۱۲۸).

ممکن است این پرسش مطرح شود که «ابرار» در کدام یک از این سه گروه قرار می‌گیرند؟ پاسخ آن است که ابرار در ردیف اصحاب یمین قرار دارند. قرآن کریم درباره‌ی آنان می‌فرماید: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا» (انسان: ۵-۶) و نیز: «تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ * يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَّخْتُمٍ * خِتَامُهُ مِسْكٌ * وَفِي ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ» (مطففین: ۲۴-۲۶) طبرسی در تفسیر خود بیان می‌کند که ابرار از جامی می‌نوشند که با عطر خوش آمیخته است و خود جاری‌کننده‌ی چشمه‌ی آن‌اند (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۵۹/۲۶).

۲- تحلیل جایگاه و ویژگی‌های اصحاب شمال در قرآن و تفاسیر اسلامی

در منابع تفسیری، گروه «اصحاب شمال» به کسانی اطلاق شده است که در روز قیامت نامه‌ی اعمالشان به دست چپشان داده می‌شود؛ نشانه‌ای از محرومیت، سقوط و ورود آنان به مسیر عذاب الهی. درباره‌ی علت این نام‌گذاری، دیدگاه‌هایی مطرح شده است؛ از جمله اینکه ایشان کسانی هستند که از سمت چپ گرفته شده و به سوی جهنم کشیده می‌شوند، یا پرونده‌ی اعمالشان را به دست چپ دریافت می‌کنند، و یا افرادی‌اند که همواره در وضعیت بدبختی و پریشانی قرار دارند (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۶۱/۲۴).

این گروه همان کسانی‌اند که هنگام دریافت نامه‌ی اعمال خود، با حسرت و اندوه می‌گویند: «یا لَیْتَنی لَمْ أُوتَ کِتَابَیْهِ» (حاقه: ۲۵) در آن لحظه، از شدت ندامت انگشت بر دندان می‌گزند و آرزو می‌کنند که ای کاش در دنیا راهی همراه با رسول خدا برگزیده بودند: «وَيَوْمَ يَعَضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَیْتَنی اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبیلاً * يَا وَیْلَتی لَیْتَنی لَمْ اتَّخِذْ فُلاناً خَلیلاً» (فرقان: ۲۷-۲۸).

بر اساس آیات قرآن، نامه‌ی اعمال فُجَّار در «سَجین» ثبت شده است؛ کتابی رقم‌خورده که سرنوشت محتوم آنان را رقم می‌زند. در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان؛ کسانی که روز جزا را انکار کردند و آیات الهی را اسطوره‌های پیشینیان پنداشتند. این انکار، نتیجه‌ی زنگاری است که بر دل‌هایشان نشسته و آنان را از پروردگارشان در قیامت محجوب ساخته است. این محرومیت، به معنای فقدان کرامت الهی است، نه بی‌خبری خداوند از حال ایشان یا غیبت آنان از حضور الهی (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶۸/۲۰). چنان‌که در آیات آمده است: «کَلَّا إِنَّ کِتَابَ الْفُجَّارِ لَفی سَجِینَ * وَمَا أَدْرَاکَ مَا سَجِینَ * کِتَابٌ مَرْقُومٌ * وَیْلٌ یَوْمَئِذٍ لِلْمُکَذِّبِینَ * الَّذِینَ یُکَذِّبُونَ بَیْوَمَ الدِّینِ * وَمَا یُکَذِّبُ بِهِ إِلَّا کُلُّ مُعْتَدٍ أَثِیمٍ * إِذَا تُتْلَىٰ عَلَیْهِ آیَاتُنَا قَالَ أَسَاطِیرُ الْأَوَّلِینَ * کَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا کَانُوا یُکْسِبُونَ * کَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ یَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ * ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِیمِ» (مطففین: ۷-۱۶).

در آیات دیگر نیز به وضعیت فُجَّار در قیامت اشاره شده است؛ آنان در دوزخ‌اند و در روز جزا وارد آن می‌شوند و هیچ‌گاه از آن غایب نیستند: «وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفی جَحِیمٍ * یَصْلَوْنَهَا یَوْمَ الدِّینِ * وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِینَ» (انفطار: ۱۴-۱۶).

در توصیف اصحاب شمال، قرآن کریم آنان را در میان بادهای سوزان، آب جوشان، و سایه‌هایی از دود متراکم و آتش‌زا معرفی می‌کند؛ سایه‌هایی که نه خنک‌اند و نه سودمند. اینان در دنیا در رفاه و غرور به سر می‌بردند، بر گناهان بزرگ اصرار داشتند و در برابر دعوت الهی، با انکار معاد می‌گفتند: آیا پس از مرگ و تبدیل شدن به خاک و استخوان، دوباره برانگیخته خواهیم شد؟ «وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ * مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ * فِی سَمُومٍ وَحَمِیمٍ * وَظَلٍّ مِّنْ یَّحُمُومٍ * لَّا بَارِدٌ وَلَا کَرِیمٍ * إِنَّهُمْ کَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُتَرَفِّینَ * وَکَانُوا یَبْصُرُونَ عَلَىٰ الْخَبْثِ الْعَظِیمِ * وَکَانُوا یَقُولُونَ أَإِذَا مِتْنَا وَکُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ» (واقعه: ۴۱-۴۷).

در بخش دیگری از آیات، نوع عذاب آنان چنین توصیف شده است: آنان از درخت زَقُوم می‌خورند، شکم‌هایشان را از آن پر می‌کنند، و سپس از آب جوشان می‌نوشند؛ همچون شترانی که به بیماری عطش مبتلا شده‌اند. این‌ها همان وسایل پذیرایی (نَزْل) آنان در روز جزا هستند: «لَّا کُلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِّنْ زَقُومٍ * فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ * فَشَارِبُونَ عَلَیْهِ مِنَ الْحَمِیمِ * فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهَبِیمِ * هَٰذَا نَزَّاهُمْ یَوْمَ الدِّینِ» (واقعه: ۵۲-۵۶).

واژه‌ی «نَزْل» در اصل به معنای وسیله‌ی پذیرایی از میهمان عزیز است، و گاه به نخستین طعام یا نوشیدنی ارائه‌شده به میهمان اطلاق می‌شود. بدیهی است که دوزخیان نه میهمان‌اند و نه زَقُوم و حمیم وسیله‌ی پذیرایی محسوب می‌شود؛ بلکه این تعبیر نوعی طعنه و تحقیر نسبت به آنان است تا شدت عذابشان را نشان دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۳۸/۲۳).

در آیه‌ای دیگر، کسانی که آیات الهی را انکار کرده‌اند، افراد شومی معرفی شده‌اند که نامه‌ی اعمالشان به دست چپ‌شان داده می‌شود و آتشی فرو بسته بر آنان فرود می‌آید: «وَالَّذِینَ کَفَرُوا بِآیَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ * عَلَیْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ» (بلد: ۱۹-۲۰) بر اساس نقل حویزی در *نور الثقلین*، منظور از «وَالَّذِینَ کَفَرُوا» در این آیه، کسانی هستند که با علی علیه‌السلام مخالفت کردند و اصحاب مشْأَمه شامل دشمنان اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشد (حویزی، ۱۴۱۵ هـ.ق: ۵/۵۸۴).

همچنین در آیات دیگر، اصحاب شمال حامل بار گناه خویش معرفی شده‌اند؛ این بار ممکن است تنها بار ضلالت خودشان باشد یا دو بار، یعنی علاوه بر گمراهی خود، گمراه کردن دیگران نیز بر دوش آنان باشد. چنان‌که خداوند می‌فرماید: «وَلِیَحْمِلْنَ أَثْقَالَهُمْ وَأَنْتَ لَا مَعَّ أَثْقَالِهِمْ وَلَیْسَالَنَّ یَوْمَ الْقِیَامَةِ عَمَّا کَانُوا یَفْتَرُونَ» (عنکبوت: ۱۳). این آیه نشان می‌دهد که برخی از گناهکاران، علاوه بر بار گناه خود، بار گمراهی دیگران را نیز بر دوش خواهند کشید و در روز قیامت درباره‌ی آن مورد بازخواست قرار خواهند گرفت. با این حال، قرآن کریم در آیه‌ای دیگر تصریح می‌کند که هیچ‌کس بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد و مسئولیت هر فرد بر عهده‌ی خود اوست: «وَمَنْ ضَلَّ فَانْمَا یَضِلُّ عَلَیْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ» (اسراء: ۱۵) این اصل، بیانگر عدالت الهی در داوری قیامت است؛ به این معنا که هر فرد، تنها در برابر اعمال خود مسئول است، مگر آن‌که با گمراه کردن دیگران، بار مضاعفی از مسئولیت را بر دوش گرفته باشد.

در همین راستا، قرآن کریم گفت‌وگوی پیروان شیطان با او را در قیامت نقل می‌کند؛ زمانی که آنان شیطان را مسئول گمراهی خود می‌دانند، اما او پاسخ می‌دهد که هیچ سلطه‌ای بر ایشان نداشته و تنها دعوت کرده است، و این خود آنان بودند که دعوتش را پذیرفتند. بنابراین، مسئولیت گمراهی بر عهده‌ی خودشان است: «وَقَالَ الشَّیْطَانُ لَمَّا قُضِیَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقَّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ

وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلَوْ مَوْا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (ابراهیم: ۲۲). این آیات، تصویری روشن از وضعیت اصحاب شمال در قیامت ارائه می‌دهند؛ گروهی که به سبب انکار حق، اصرار بر گناه، و گمراهی خود و دیگران، در معرض عذاب‌های شدید الهی قرار می‌گیرند. آنان نه تنها از نعمت‌های اخروی محروم‌اند، بلکه در حسرت، ندامت، و عذاب جاودانه گرفتار می‌شوند. چنین تصویری، هشدار روشنی برای انسان در مسیر انتخاب‌های دنیوی است و نشان می‌دهد که سبک زندگی، باورها و اعمال فردی، تأثیر مستقیم بر جایگاه اخروی انسان دارد.

۳- تحلیل جایگاه و ویژگی‌های مخلصین در قرآن و تفاسیر اسلامی

در میان گروه‌های انسانی در روز قیامت، «مخلصین» جایگاهی ممتاز و بی‌نظیر دارند. این بندگان خاص الهی نه تنها مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیرند، بلکه اساساً در محکمه عدل الهی حاضر نمی‌شوند و بدون حساب و کتاب وارد بهشت می‌گردند. علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: «به عبارت دیگر آنان نه در محضر خدای تعالی حاضر می‌شوند و نه به حسابشان رسیدگی می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵۲/۲۰).

این معنا در آیات متعددی از قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله در سوره صافات، در جریان دعوت حضرت الیاس، خداوند پس از بیان انکار مشرکان می‌فرماید: «فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ * إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ» (صافات/۱۲۷-۱۲۸) و نیز در آیات دیگر آمده است: «وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ * إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ» (صافات/۱۵۹-۱۶۰) از این آیات چنین برمی‌آید که مخلصین از حضور در دادگاه الهی مستثنا هستند و بی‌درنگ وارد بهشت می‌شوند. اما پرسش مهم آن است که این بندگان خاص چه کسانی هستند و چه ویژگی‌هایی دارند که چنین امتیازی به آنان داده شده است؟ شیطان خود در آیه‌ای به این حقیقت اعتراف می‌کند: «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغَوِّيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلَصِينَ» (ص/۸۲-۸۳) علامه طباطبایی معتقد است که این اعتراف نه از روی احترام، بلکه از روی ناتوانی در اغوای مخلصین است؛ زیرا ابزار فریب او در برابر این بندگان کارایی ندارد. روح مخلصین در ملاً اعلی قرار دارد، جایی که باطل راه ندارد و شیطان که خود باطل است، در آنجا جایگاهی ندارد (کلینی، ۱۴۰۵ هـ.ق: ۳۶/۵).

در ادامه سوره صافات نیز آمده است: «إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ * أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ * فَوَاكِهِ وَهُمْ مُكْرَمُونَ * فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ» (صافات/۴۰-۴۳) این آیات نشان می‌دهد که مخلصین افزون بر ورود بی حساب به بهشت، از نعمت‌هایی خاص مانند رزق معلوم، میوه‌های بهشتی، و کرامت الهی بهره‌مندند.

از جمله نعمت‌های وعده داده شده به مخلصین، «قاصرات الطرف» است. طبرسی می‌نویسد: «در بهشت نزد ایشان زنانی خواهد بود که نگاهشان تنها به ایشان بوده و رغبت به دیگری نمی‌کنند» (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۲۰/۲۱). سیوطی نیز معتقد است که این واژه از «عقیقات» دقیق‌تر است، زیرا افزون بر عفت، دلالت بر انحصار محبت و نگاه دارد (سیوطی، ۱۳۹۲: ۱۵۹/۲).

در آیه‌ی «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ»، مراد از «سابقون» کسانی هستند که در خیرات و مغفرت الهی سبقت گرفته‌اند. چنان که در آیه‌ی «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ» (فاطر/۳۲) و نیز «سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ» (حدید/۲۱) آمده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۹/۱۹).

در روایتی از امام باقر (ع) در مجمع‌البیان، چهار نفر به عنوان «سابقین» معرفی شده‌اند: پسر آدم، مؤمن آل فرعون، حبیب نجار، و علی بن ابی طالب (ع) (طبرسی، ۱۳۶۰: ۲۱۵/۹). البته این افراد مصداق بارز هستند و آیه شامل عموم مؤمنان مقرب نیز می‌شود. پیامبر اکرم (ص) نیز در حدیثی می‌فرماید: «علی و شیعیان او نخستین کسانی هستند که وارد بهشت می‌شوند» (طوسی، ۱۴۱۶ هـ.ق: ۷۰/۱). تفاوت «سابقون مقرب» با «ابرار» در این است که ابرار نامه عمل دارند و مورد حسابرسی قرار می‌گیرند، در حالی که سابقون بدون حساب وارد بهشت می‌شوند. همچنین، درجه آنان در بهشت متفاوت است؛ ابرار از چشمه تسنیم به صورت ممزوج می‌نوشند، اما مقربین از آن چشمه به صورت خالص بهره‌مند می‌شوند: «تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ * يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ * خِتَامُهُ مِسْكَ * وَفِي ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ * وَمِزَاجُهُ مِنَ تَسْنِيمٍ» (مطففین/۲۴-۲۷) امام صادق (ع) می‌فرماید: «تسنیم بهترین نوشیدنی اهل بهشت است که رسول خدا، خدیجه، علی و ذریه ایشان از آن می‌نوشند، اما سایر مؤمنان به صورت ممزوج بهره‌مند می‌شوند» (بحرانی، ۱۴۱۶ هـ.ق: ۶۰۹/۵).

از دیگر نعمت‌های مقربین، «روح و ریحان» است: «فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ * فَرَوْحٌ وَرِيحَانٌ وَجَنَّةٌ نَعِيمٌ» (واقعۀ ۸۸/۸۹) آلوسی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «ریحان گیاه خوشبوی بهشتی است که هنگام مرگ برای مقربین آورده می‌شود و با بوییدن آن، جان از بدن جدا می‌شود» (آلوسی، ۱۴۱۵ هـ.ق: ۲۷/۱۶۰).

در مورد مصداق مخلصین، میان مفسران اختلاف نظر وجود دارد. برخی آنان را معصومین و ائمه هُداة می‌دانند (کاشانی، ۱۳۳۶: ۷۱/۸)، و برخی دیگر این عنوان را به همه مؤمنان تعمیم می‌دهند (محلّی و سیوطی، ۱۴۱۶ هـ.ق: ۴۶۱). با توجه به ویژگی‌های ذکرشده، دیدگاه اول به نظر دقیق‌تر می‌رسد.

در حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده است که خداوند سه گروه را بی‌حساب وارد بهشت و سه گروه را بی‌حساب وارد دوزخ می‌کند. گروه اول شامل پیشوای عادل، بازرگان راست‌گو، و پیرمردی است که عمر خود را در طاعت الهی گذرانده است. و اما گروهی که بی‌حساب وارد دوزخ می‌شوند، عبارت‌اند از: پیشوای ستمکار، بازرگان دروغ‌گو، و پیرمرد زناکار. این روایت نشان می‌دهد که معیار ورود بی‌حساب به بهشت یا دوزخ، نه صرفاً سن یا موقعیت اجتماعی، بلکه کیفیت عمل و اخلاص در بندگی است (شیخ صدوق، ۱۳۷۴: ۱۰۹/۱).

در مجموع، «مخلصین» گروهی ممتاز از بندگان الهی هستند که به سبب خلوص در عبودیت، طهارت از شرک، و بی‌اعتنایی به دنیا، از اغوای شیطان در امان مانده‌اند و در روز قیامت بدون حساب وارد بهشت می‌شوند. آنان نه تنها از عذاب الهی مصون‌اند، بلکه از نعمت‌هایی ویژه مانند شراب طهور، قاصرات‌الطرف، تسنیم، روح و ریحان بهره‌مند می‌گردند. این ویژگی‌ها نشان‌دهندۀ مرتبه‌ای است که تنها خاص‌ترین بندگان خدا به آن دست یافته‌اند؛ مرتبه‌ای که در آن، نه شیطان راهی دارد، نه حسابرسی معنا دارد، و نه محرومیتی در کار است.

از منظر تفسیری، مخلصین در بالاترین مرتبه‌ی قرب الهی قرار دارند؛ جایی که بندگی به خلوص کامل رسیده و انسان از هر تعلقی جز خدا رها شده است. این مقام، نتیجه‌ی مجاهدت مستمر، معرفت عمیق، و تسلیم کامل در برابر اراده‌ی الهی است. هرچند برخی مفسران این عنوان را به همه‌ی مؤمنان خالص تعمیم داده‌اند، اما با توجه به نشانه‌های قرآنی و روایات اهل‌بیت (ع)، به نظر می‌رسد که مخلصین، همان معصومین و مقربین درگاه الهی‌اند که در دنیا نیز واسطه‌ی هدایت خلق بوده‌اند.

بنابراین، آیات مربوط به مخلصین نه تنها توصیف‌کنندۀ جایگاه آنان در قیامت‌اند، بلکه دعوتی روشن برای انسان امروز هستند تا با اخلاص در نیت، صداقت در عمل، و پیروی از راه اولیای الهی، مسیر قرب را بی‌پیماید و از زمره‌ی کسانی باشد که در روز حساب، بی‌حساب وارد بهشت می‌شوند.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه در این پژوهش بیان شد، مواجهه انسان‌ها با مرگ و قیامت، به‌طور مستقیم تابع شیوه‌ی زیست و سبک حیات آنان در دنیا است. کسانی که عمر خود را در مسیر رضایت الهی سپری کرده‌اند، در لحظه‌ی ملاقات با پروردگار، در حالی به عرش الهی وارد می‌شوند که هم مورد رضایت خداوند قرار گرفته‌اند و هم خود از نعمت‌های الهی بهره‌مند و مسرورند. در مقابل، کسانی که مرتکب اعمال زشت و ناپسند شده‌اند، با مرگ مواجهه‌ای سخت و هولناک خواهند داشت؛ به‌گونه‌ای که فشار و عذاب قبر، که همان عذاب برزخی است، تا روز قیامت گریبان‌گیر آنان خواهد بود. این عذاب، در حقیقت بخشی از جزای قیامت محسوب می‌شود و هدف آن، تزکیه و پاک‌سازی روح انسان برای ورود به عرصه‌ی محشر است.

در روز قیامت، انسان‌ها بر اساس کیفیت اعمالشان به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. هر گروه، متناسب با عملکرد دنیوی خود، پاداش یا کیفر اعمالش را دریافت می‌کند. گروهی که نافرمانی خداوند را پیشه کرده‌اند، در اشکال گوناگون در قیامت ظاهر می‌شوند و سزای اعمال خود را می‌بینند. در مقابل، کسانی که به دستورات الهی گوش فرا داده و به آن‌ها عمل کرده‌اند، نیز به پاداش اعمال صالح خود دست خواهند یافت.

این تقسیم‌بندی، نه تنها بیانگر عدالت الهی در داوری نهایی، بلکه نشان‌دهندۀ تأثیر مستقیم رفتارهای دنیوی بر سرنوشت اخروی انسان است؛ حقیقتی که در آیات قرآن و روایات اسلامی بارها مورد تأکید قرار گرفته است.

منابع

- [۱] قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
- [۲] ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر - بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
- [۳] ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ هـ ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- [۴] آشتیانی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۹)، کتاب معاد، تهران: امیرکبیر.
- [۵] آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ هـ ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- [۶] بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ هـ ق)، البرهان، تهران: بنیاد بعثت.
- [۷] جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵). تفسیر موضوعی قرآن کریم. قم: نشر اسراء.
- [۸] حسینی همدانی نجفی، محمد (۱۳۶۳)، درخشان پرتوی از اصول کافی، قم: چاپخانه علمیه قم.
- [۹] حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ هـ ق)، نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- [۱۰] راغب اصفهانی، حسین (۱۳۸۱)، مفردات الفاظ قرآن کریم، تهران: مرتضوی.
- [۱۱] زمخشری، محمود (۱۴۰۷ هـ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی.
- [۱۲] سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۳۹۲)، اتقان فی علوم القرآن، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، تهران: امیرکبیر.
- [۱۳] سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، محلی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ هـ ق)، تفسیر الجلالین، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.
- [۱۴] شعرانی، میرزا ابوالحسن (۱۳۹۴)، نثر طوبی، تهران: اسلامیه.
- [۱۵] شهیدی، سیدجعفر (۱۳۷۸)، ترجمه نهج البلاغه، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم.
- [۱۶] شیخ صدوق، محمد بن بابویه (۱۳۶۳)، اسرار توحید، مترجم: اردکانی، محمد علی، تهران: علمیه اسلامیه.
- [۱۷] شیخ صدوق، محمد قمی (۱۳۷۴)، خصال، تهران: کتاب چی.
- [۱۸] شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ هـ ق)، امالی، قم: دارالثقافه.
- [۱۹] طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، قم: اسلامیه.
- [۲۰] طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: فراهانی.
- [۲۱] طبری، ابوجعفر (۱۴۱۲ هـ ق)، جامع البیان، بیروت: دارالکتب المعرفه.
- [۲۲] طریحی فخرالدین، مجمع البحرین، کتابفروشی مرتضوی - تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۶). انسان و سرنوشت. تهران: انتشارات صدرا.
- [۲۳] طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، تبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالتراث العربی.
- [۲۴] قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۶)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- [۲۵] قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷)، تفسیر قمی، قم: دار الکتب.
- [۲۶] کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۵ هـ ق)، درخشان پرتوی از اصول کافی، قم: همدانی نجفی.
- [۲۷] کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۳۶)، منهج الصادقین، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمیه.
- [۲۸] محسن زندی سید محمود موسوی (۱۳۹۶). «رویکرد وجودی نگر آیات و روایات در رابطه مرگ‌اندیشی و سلامت روان علوم حدیث سال ۲۲ تابستان ۱۳۹۶ شماره ۲ (پیاپی ۸۴).
- [۲۹] مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- [۳۰] نادری، عفیف احمد. (۱۴۰۲). «تأثیر اصلاح نگرش نسبت به مرگ در سلامت روانی از دیدگاه اسلام مجله بین رشته ای دین و سلامت ابن سینا، دوره ۲، شماره ۱، صفحات ۳۰-۳۷.